

آسیب شناسی انحرافات اجتماعی از منظر اسلام

محمد رضا بزرگی

چکیده

آسیب شناسی اجتماعی از منظر دینی هدف غایی این مقاله است، انحرافات اجتماعی که در معنایی وسیع تر از آن به آسیب‌های اجتماعی تعبیر می‌شود در ادبیات دینی همراه با اوامر و نواهی الهی است. دین اسلام با داعیه اجتماعیات گسترده شناخته می‌شود هم از این رو بازخوانی انحرافات مورد اشاره در این مکتب الهی برای بررسی تطبیقی میان آنچه جامعه شناسان امروزی از آن به نام جامعه شناسی انحرافات اجتماعی نام می‌برند سودمند بلکه ضروری است در این میان قرآن به عنوان موثق ترین سند قابل ارجاع، به نمایندگی از کلیه آموزه‌های این دین برگزیده و چارچوب نظری پارسنز در خصوص خرده نظام‌های چهارگانه: شخصیت (دستیابی به هدف Goal-Attainment)، اقتصاد (سازگاری Aduptation) نظام اجتماعی (یگانگی Integration)، نظام فرهنگی یا نظام اعتقادی (حفظ الگو latency) به عنوان مرجعی برای تقسیم بندی آسیب‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

آسیب شناسی اجتماعی، انحرافات اجتماعی، قرآن کریم، خرده نظام شخصیت، زیستی، اجتماعی، فرهنگ

مقدمه

دین اسلام به دلیل ماهیت اجتماعی اش و دیدگاهی که نسبت به انسان و رشد و کمال او دارد در بر دارنده بسیاری از مولفه‌های جامعه شناختی است بدین معنا که چون اساساً بر طبق آموزه‌های این دین لزوماً راه کمال آدمی از میان بسترهای اجتماعی می‌گذرد و بسیاری از جنبه‌های انسانی راه بروز و ظهوری جز عرصه‌های گوناگون حیات گروهی ندارد لذا طیف وسیعی از دستورات در جهت زندگی اجتماعی سمت و سو یافته است در این صورت بجاست اگر متوقع باشیم که قرآن کریم به عنوان سرچشمه معارف اسلامی و مستندترین منبع دریافت حقایق دینی نسبت به آنچه امروزه انحرافات اجتماعی نامیده می‌شود فاقد دیدگاه نباشد به عکس خطوط کلی و کلان این موضوع را به تصویر کشیده باشد.

آسیب‌های اجتماعی اصطلاحی است که در قرن نوزدهم میلادی و در پی رشد و تکوین علوم اجتماعی از علوم زیستی وام گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضو و انحرافات اجتماعی قابل می‌شوند؛ آسیب شناسی عبارت از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها و ارگانیکسم انسانی است بنابراین در مشاهدت کالبد انسانی با کالبد جامعه اصطلاح آسیب شناسی برای مطالعه و ریشه یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود.

بی‌شک امروزه آسیب شناسی اجتماعی جای ویژه‌ای در بحث‌های کلان اجتماعی به خود اختصاص داده است هم از این رو که شیوع انحرافات اجتماعی در جوامع گوناگون دولت‌ها را به فکر چاره جویی و پیشگیری و یا حداقل محدود ساختن آن نموده و هم از این حیث که پیچیدگی و کانالیزه و در مواردی شبکه‌ای شدن این انحرافات خطر بیش از پیش است برای زندگی جمعی ام‌روز بشر؛ هر چند که امروزه می‌توان فهرست بلندی از آسیب‌های اجتماعی را تهیه کرد ولی با کمی موشکافی به راحتی می‌توان خطوط کلی انحرافات ام‌روزین را در همان موارد سنتی که حالا شکلی نوین یافته‌اند دید که در اکثر کتب و مراجع جامعه شناسی انحرافات، بدان اشاره شده است از قبیل فقر، اعتیاد، روسپیگری، خودکشی و...

اما حوزه بحث ما به دلیل تلفیقی بودن، محدود به این موارد نخواهد شد چرا که در ادبیات دینی، هر نوع بی‌دینی البته نه در فروع بلکه در اصول خود انحرافی بزرگ و آسیب رسانی جدی به بنیان‌های کلان اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند ساختارهای جامعه را مورد تهدید جدی قرار دهد و یا حتی انسجام اجتماعی را دچار اشکال اساسی نماید.

لذا حوزه فرهنگ البته با قید «دینی» هر جا که رو به ضعف و سستی نهد جامعه آستان آسیب‌های بزرگ و چالش‌های جدی خواهد بود قرآن کریم سرقت، دست‌درازی به مال غیر، خشونت، انسجام اجتماعی، بی‌هویتی و بسیاری دیگر از خرده انحرافات اجتماعی را مورد توجه جدی قرار داده و احکام در خوری را نیز صادر کرده است ولی آنچه در صدر این مسایل مورد نظر قرآن کریم است کفر، شرک و در یک جمله بی‌خدایی است.

چارچوب کلی برای تفکیک و دسته‌بندی انحرافات از جامعه شناس معاصر پارسنز اخذ شده است هم با این دلیل که با خردتر شدن حوزه‌های انحرافات مواضع قرآن در این خصوص بهتر درک خواهد شد و هم اینکه در مدل نظری پارسنز نقش فرهنگ به عنوان نظام فرهنگی با کارکرد حفظ الگو نسبت به سایر خرده نظامها (Sub system) برجسته تر بوده و از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و این با موضوع گیری قرآن قرابت دارد چرا که قرآن نیز نقش عوامل فرهنگی به بیان بهتر انحرافات فرهنگی را برای آسیب شناسی اجتماعی پر رنگ تر از سایر انحرافات دانسته و نسبت به آن هشدار می‌دهد.

در اینجا شایسته است از زحمات و ارشادات جناب آقای دکتر فرهاد امام جمعه که برای تهیه و به ثمر رسیدن مقاله متقبل شده‌اند تشکر و قدردانی بنماییم.

خرده نظام شخصیت (دستیابی به هدف)

پارسنز شخصیت را نظام سازمان نیافته‌ای از جهتگیری و انگیزش کنش کنشگر فردی می‌انگارد.

شاخص ترین آسیب اجتماعی این خرده نظام به تعبیری بی‌هویتی است، هویت اجتماعی عبارت از درک تصور و ارزیابی فرد نسبت به خود از منظر دیگران یا جامعه است که در نتیجه آن احساس کند از منظر دیگران یا جامعه دارای جایگاه و ارزش و احترام است اصطلاح هویت که از دهه ۱۹۵۰ رایج شد در دو حوزه روانشناسی و جامعه

شناسی مورد توجه و مباحثه قرار گرفته است.

در حوزه روان شناسی کارهای فروید آن جا که بر هسته درونی و ذهنی که ساختار روانی و فیزیکی تاکید دارد موبداین مطلب است و در جامعه شناسی نظریه‌های هویت با مفهوم خود در مکتب کنش متقابل نمادین پیوند خورده است نظریه‌های جامعه شناسی در این خصوص در ابتدا با کارهای ویلیام جیمز و جورج هبرت مید شروع شد و بعدها از طریق گافمن، پیتر برگر و دیگران مفهوم هویت پیگیری شد و به صورت جدی وارد تحلیل‌های جامعه شناسان گردید.

در حوزه آسیب شناسی اجتماعی بحث هویت از آن جهت حائز اهمیت است که اصولاً احساس هویت انسان در مورد جامعه یا هر پدیده دیگر حتی احساس هویت در خصوص خداوند، وی را به رعایت هنجارهای مورد نظر ملزم می کند و همچون عامل بازدارنده در انحرافات او عمل می نماید. ماجرای حضرت یوسف (ع) که در قرآن کریم بدان اشاره شده است به روشی موبداین مطلب است:

در آیه ۲۱ سوره یوسف وقتی عزیز مصر یوسف (ع) را همچون برده خریداری کرد به همسرش زلیخا گفت: «اکرمی مئوه» کلمه مئوه در فرهنگ لغات قرآنی به معنای جایگاه و ارزش و بیان کننده مفهوم احساس هویت است [۲] و در این جا اشاره به جایگاه و ارزش یوسف (ع) در مقام برده دارد، یعنی او به اعتبار اینکه برده است از جایگاه پست و حقیری برخوردار است، اما تو او را گرامی بدار و برای او جایگاه و ارزش بالایی قابل باش همچنین در آیه ۲۳ همان سوره می فرماید که وقتی زلیخا یوسف (ع) را به قصد مراوده به خود دعوت کرد یوسف (ع) فرمود: «معاذ الله، انه ربی احسن مئوای» پناه بر خدا به درستی که خدایم مرا گرامی داشته و برای من ارزش و جایگاه بالایی قایل بوده است... پس من هرگز نافرمانی او را نخواهم کرد.

در هر حال به بیان قرآن کریم، عامل بازدارنده یوسف (ع) از انحراف او وفاداریش به خداوند احساس هویت او نسبت به خدا است.

بدین ترتیب اگر احساس هویت اجتماعی افراد جامعه در خصوص الگوها و ارزشهای اجتماعی - فرهنگی خودشان طی فرایند جامعه پذیری سالمی شکل بگیرد، همچون عامل بازدارنده از انحرافات جلوگیری خواهد کرد برعکس احساس بی هویتی پتانسیل مناسبی برای شکل گیری انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد بود.

خرده نظام اقتصاد (سازگاری)

در تئوری پارسنز اقتصاد، خرده نظامی است که کارکرد تطبیق با محیط را از طریق کار، تولید و تخصیص برای جامعه انجام می دهد اقتصاد از این طریق محیط را با نیازهای جامعه تطبیق می دهد و در ضمن به جامعه کمک می کند تا خود را باین واقعیتهای بیرونی تطبیق دهد. [۳]

در قاموس پارسنز اقتصاد نه یک ساختار عینی است و نه یک نماد. اقتصاد وجهی از رفتار کنشگران اجتماعی است که در کار تولید و توزیع کالاها و خدمات لازم برای بقای مادی و رفاه افراد و جامعه فعالیت می کنند. [۴] از منظر قرآن نیز اقتصاد به عنوان تامین کننده نیازهای اولیه و جسمانی آدمیان حائز اهمیت است عمده جرائم اقتصادی که در قرآن به آنها اشاره شده است مبتنی است بر تعدی و دست اندازی به مال غیر بهر شکل و ربا و رشوه که ذیلاً به صورت مختصر به آنها خواهیم پرداخت.

کراهت سرقت واضح تر و بدیهی تر از آن است که لزومی برای طرح آن باشد از این رو قرآن تنها به بیان حکم سارق اکتفا کرده است [۵] دومین جرم بزرگ اقتصادی که قرآن بدان پرداخته است تصرف در مال یتیم چه از طرف سرپرست ایشان و یا فرد دیگر است و در معنای وسیع تر دست اندازی به مال بی سرپرست را نیز شامل می شود که حساسیت قرآن در این خصوص جالب توجه است و در آیات گوناگون با بیان‌های متفاوت قرآن این مسئله را مورد تصریح قرار داده است. [۶] در مجموع موارد فوق رعایت عدل و نزدیک نشدن به مال یتیم جز به نیت حفظ و اصلاح و پرهیز از مخلوط شدن مال یتیم به مال شخص تاکید شده است ضمن اینکه قرآن اصرار دارد که مال یتیم اگر در اختیار و قیومیت غیر قرار گرفت، سرپرست موظف است پس از بلوغ فکری و اجتماعی یتیم، مال را به او بازگرداند. در لسان قرآن کسانی که به خوردن مال یتیم مبادرت می ورزند گناهی بزرگ مرتکب می شوند که عاقبتی ناخوشایند را برای ایشان رقم خواهد زد «کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، در شکم خود آتش جهنم فرو می بلعد

و به زودی در آتش بر افروخته‌ای می افتند.» [۷]

بی تردید یکی از نکات جامعه شناختی بحث فوق این است که در صورتی که مال یتیم به خود او بازگردانده نشود و شرایط محیطی و مالی مناسبی برای پشتیبانی و تربیت و رشد کودک یتیم در جامعه مهیا نگردد پتانسیل بسیار مناسبی برای آن کودک وجود خواهد داشت تا به بزهکاری روی آورد یا جذب سازمانهای بزرگ و کوچک انحرافی شود که امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و نیافته با آن مواجهیم؛ کشورهای توسعه نیافته یا به صورت داخلی باین مشکل مواجهند و یا به صورت صادرات این کودکان و یا بهره برداری توسط عناصر کشورهای پیشرفته کم فروشی سومین انحراف در حوزه اقتصادی است که قرآن کریم بدان پرداخته است و می تواند همه گیر شود چنان که در میان قوم شعیب رواج کامل داشته است قرآن کریم ضمن نکوهش این موضوع از شیوع این ناهنجاری اقتصادی به نام فساد یاد می کند. [۸]

وسیع تر دیدن معنای کم فروشی با توجه به مفهوم کیفیتی و امروزی، انواع کلاهبرداری و غش در معامله را نیز در بر می گیرد و تمامی احکامی که برای کم فروشی ذکر شده است برای این معنا نیز کاربرد خواهد داشت، موبداین مطلب اشاره‌ای است که قرآن در خصوص قمار دارد و از آن به عنوان «اثم کبیر» [۹] نام می برد چرا که معامله‌ای است ناعادلانه که توازن و انصاف در بین طرفین معامله رعایت نشده است.

رشوه چهارمین خرده انحرافی است که به صورت خاص آن در قرآن مطرح گردیده است رشوه‌ای که قرآن مطرح می کند پولی است که به قاضی پرداخت می شود تا به نفع یکی از طرفین قضاوت حکم کند در این صورت ظلمی به طرف مقابل روا می شود و طرف پیروز می تواند اموال مردم را به ظلم و ستم تصرف نماید: «اموال یکدیگر را به ناحق نخورید و به داوران با [رشوت از] آن نزدیکی نجوید تا پاره‌ای از اموال مردم را آگاهانه به ناحق بخورید» [۱۰]

البته امروزه رشوه صرفاً به یک چنین مواردی محدود نمی شود هر چند که ماهیت آن دست نخورده باقی مانده ولی شیوه‌های گوناگونی یافته و در نظام‌هایی که از سیستم بوروکراسی بزرگ و ناسالم رنج می برند به شدت رواج دارد. و در نهایت ربا به عنوان پرخطرترین و منفورترین و از طرفی پر طرفدارترین و با سابقه ترین جرم یا انحراف اقتصادی آیات چندی را در قرآن به خود اختصاص داده است شدت برخورد قرآن با ربا و تندی آیات در این خصوص به حدی است که قرآن صراحتاً ربا خواری را به منزله جنگیدن با خدا و رسولش اعلام کرده و در مواردی حتی آن را معادل کفر تلقی نموده است. «ای مومنان ربا را چندین و چند برابر مخورید و از خداوند پروا کنید تا رستگار شوید و از آتشی بترسید که برای کافران آماده شده است.» [۱۲] خرده نظام فرهنگی و نظام اعتقادی

پارسنز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می دهد. فرهنگ میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می کند فرهنگ این خاصیت ویژه را دارد که کم و بیش می تواند بخشی از نظام‌های دیگر گردد بدین سان که فرهنگ در نظام اجتماعی به صورت هنجارها و ارزشها تجسم می یابد و در نظام شخصیتی ملکه ذهن کنشگران می شود اما نظام فرهنگی تنها بخشی از نظام‌های دیگر نیست بلکه به صورت ذخیره ذاتی و نمادها و افکار، وجود جداگانه‌ای نیز برای خود دارد. پارسنز فرهنگ را نظام الگو دار و سامانمندی از نمادها می داند که هدفهای جهت گیری کنشگران، جنبه‌های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نمادمند نظام اجتماعی را در بر می گیرد در مجموع پارسنز به این نتیجه می رسد که معیارهای اخلاقی، همان شگردهای یکپارچه کننده و حاکم بر نظام کنش می باشند این نتیجه گیری، این فکر تعیین کننده را در نظریه پارسنز بازتاب می کند که نظام فرهنگی یک نظام مسلط است. [۱۳]

در ادبیات دینی نیز فرهنگ و یا نظام اعتقادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است این ویژگی تا حدی است که سایر شئون اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد به بیان واقع تر در نظام توحیدی جایگاه نظام اعتقادی چنان است که دیگر مسائل انسانی یا اجتماعی هم سو با آن و طفیلی آن تعریف می شود نظام فرهنگی و یا اعتقادی به عنوان قوام و دوام جامعه دارای کارکردهای پیچیده و اساسی است ولی اهمیت آن در نظام مکتبی فراتر از این است به تعبیر دیگر عقاید و در راس آن توحید مداری چه با جامعه و چه بی جامعه یک اصل خدشه ناپذیر است.

سه مفهوم کفر، شرک و ارتداد بزرگترین آسیب‌های حوزه فرهنگ یا نظام اعتقادی تلقی می شوند که باطنی

مشترک دارند که همان عدم ایمان به خالق واحد برای جهان هستی است و از دیدگاه قرآن این جدی ترین خطری است که می تواند یک جامعه را مورد تهدید قرار دهد جامعه ای که خدا محور نیست بسان زمین آماده ای است که هر تخم انحرافی در آن به سادگی بدل به درختی تنومند و ریشه دار می شود و مرکز ثقلی برای این چنین جوامع نمی توان در نظر گرفت قرآن کریم ضلالت و ظلمت را برای این جوامع پیش بینی می کند. [۱۴]

ضرورت خدا محوری در آئین اسلام تا حدی است که با توجه به تأکیدات فراوان بر زندگی اجتماعی و دستورات اجتماعی زیادی که در احکام اسلامی با آن روبرو هستیم که همگی موید پذیرش کمال آدمی در خلال اجتماع است می بینیم جایی که اجتماع از پذیرش توحید سرباز می زند اسلام با تمام ارزشی که برای زندگی اجتماعی قایل می شود به مومنین خود و افرادی که جدا از منش کلی اجتماع راه توحیدی را برگزیده اند توصیه بر ترک صحنه های اجتماعی می نماید. در داستان اصحاب کهف، آن گروه خداجوی از اجتماع زمان خود کنار گرفتند و به غاری پناه بردند [۱۵] خداوند نیز این کناره گیری را می ستاید زیرا آنان برای حفظ دین خود از آن جامعه کناره گیری نمودند.

از کلام قرآن اینطور استنباط می شود که توحید همچون چتری جامعه اسلامی را از گزند آفات بسیار در امان می دارد بر عکس جامعه ای که از داشتن ایمان به خدا محروم است همچون کشتی بی سکانی است که در میان آبهای خروشان سرگردان است و هر لحظه ممکن است با تخته سنگ آفت زایی برخورد کند. در هم بشکند و برای همیشه از صحنه روزگار محو شود.

آسیب بزرگ دیگری که در حوزه فرهنگ و یا نظام اعتقادی دامنگیر جوامع می شود نفاق است آیات متعددی در قرآن به این موضوع اشاره دارند از جمله ویژگی های منافقین چنین است که ظاهری زیبا و جمیل اما باطنی خشک و چوبین دارند

[۱۶] در درون خود اعتقادی به ارزش های جامعه ندارند ولی ناچارند برای حفظ منافع خود ظاهری هم رنگ دیگر اعضای نظام جامعه داشته باشند. از ویژگی های دیگر ایشان این است که فرصت طلب بوده و به تناسب روز عمل می کنند قرآن می فرماید منافقین کسانی هستند که در مقابل شما منتظر فرصت اند اگر خداوند فتوحی را نصیب شما کند گویند آیا ما با شما نبودیم؛ اگر کافران را بهره ای رسد خود را به ایشان نزدیک می سازند [۱۷] و منافقین کسانی هستند که بین ایمان و کفر تردید دارند نه به سوی مومنین می روند نه بسوی کافرین. [۱۸] شیوه منافقین چنین است که تحت لوای ارزشی های حاکم بر جامعه پنهان می شوند و از عناصر فرهنگی بیگانه استفاده نمی کنند و حتی از مهمترین و مقدس ترین عناصر فرهنگی خودی بهره می برند مثل داستان مسجد ضرار در صدر اسلام [۱۹] و مجموع این ویژگی ها آسیب وجود منافقین را برای جامعه بسیار جدی و پر رنگ می سازد.

نظام اجتماعی (یگانگی) نظام اجتماعی با کارکرد یگانگی متناظر است این نظام اجتماعی است که همبستگی ایجاد می کند و وفاداری به اصول و به پیمانها را به وجود می آورد، حدود و فرجه آزادی عمل را تعیین می کند. [۲۰] با توجه به مفهومی که پارسنز از نظام اجتماعی دارد به این نظام از سطح خرد و کنش متقابل میان خویشتن و دیگر خویشتن به عنوان ابتدایی ترین صورت نظام اجتماعی، کارش را آغاز می کند. او نظام اجتماعی را چنین تعریف می کند یک نظام اجتماعی از مجموعه ای کنشگران فردی ساخته می شود که در موقعیتی که دست کم جنبه های فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند این کنشگران بر حسب گرایش به ارضای حد مطلوب برانگیخته می شوند و رابطه شان با موقعیتهایشان و همچنین با همدیگر بر حسب و به واسطه یک نظام ساختار بندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک، مشخص می شود. [۲۱]

در جای دیگر پارسنز شروط شش گانه ای را برای بقا و سلامتی نظام اجتماعی بر می شمارد از جمله این شروط نظارت حداقل یک نظام بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش می باشد [۲۲] که همان کنترل اجتماعی متداول است و در نهایت شاید فکر نظام اجتماعی همه گونه پدیده های جمعی را در برگیرد، اما نظام اجتماعی خاص و بسیار مهم، همان جامعه است که عبارت است از یک پدیده جمعی به نسبت خود بسنده که اعضایش می توانند همه نیازهای فردی و جمعی اش را برآورده سازند و یکسره در چهارچوب آن زندگی کنند. [۲۳]

به دلیل ماهیت اجتماعی این خرده نظام عمده جرایم و انحرافات اجتماعی که در کتب جامعه شناختی نیر بدان

پرداخته شده در این خرده نظام اتفاق می افتد لذا انحرافات این خرده نظام از تفصیل بیشتری برخوردارند.

عمده جرایمی که در این قالب می گنجد از منظر قرآن عبارتند از:

- ۱- انحرافات جنسی ۲- مشروبات الکلی و اعتیاد ۳- خودکشی و جنایت بر علیه دیگران ۴- غنا، لهو و لعب
 - ۵- بحران روابط عاطفی بین همسران، فرزندان و اولیا ۶- گسستگی اجتماعی
- انحرافات جنسی: از بزرگترین جرایمی است که قرآن کریم بر ترک آن تاکیدات مکرری دارد در اسلام رابطه جنسی مشروع فقط از طریق ارتباط میان همسران امکان پذیر است و به تعبیر قرآن هرگونه رابطه‌ای خارج از این چهارچوب تجاوز و تعدی به حدود الهی تلقی می شود [۲۴] رفتار جنسی نامشروع از منظر قرآن به دو شیوه امکان وقوع می یابد از طریق ارتباط جنسی هم نام که قرآن تعابیر «خبثت» «الفاحشه» و «المنکر» را در مورد آن بکار برده است که غیر از آسیب‌های اخلاقی جدی که به بیکره اجتماع وارد می سازد ادامه بقاء و زاد و ولد انسانی را نیز در خطر قرار می دهد که قرآن از آن با عنوان «تقطعون السبیل» یاد می کند و دوم ارتباط دو جنس غیر هم نام خارج از چارچوبهای پذیرفته شده در احکام اسلامی که از آن به زنا یاد می کنند. اسلام با تحریم زنا، حرمت و کرامت زن را حفظ کرده و به او ارزش و منزلت بخشید و معاشرت جنسی با زن را جز در هنجارهای اسلامی ممنوع کرد در چنین شرایط فرهنگی، علاقه و میل به ازدواج تشدید می یابد شیوع بی بند و باری جنسی و آزادی‌های بی حد و حصر در این خصوص ضمن به خطر انداختن کانون خانواده بستر ساز آفت‌های بزرگتری برای اجتماع تلقی می شود قرآن زنا را بسیار زشت و راهی بد [۲۶] تعریف می کند که زنان و مردان را به خودداری از آن وا می دارد.
- مشروبات الکلی و اعتیاد: از شراب در قرآن به رجز و عمل شیطانی تعبیر شده است [۲۷] که باعث اختلاف و کینه در بین اعضای جامعه می شود. شراب و یا اعتیاد باعث زایل شدن عقل و توانایی انسان در تفکر درست و ادراک صحیح می شوند و خوداین امر چراغ سبزی است برای سایر انحرافات؛ کسی که توانایی فکر کردن را از خود سلب نموده، ناخواسته خود را برای تن دادن به سایر درخواست‌های نفسانی آماده ساخته است عقل و وجدان به عنوان حافظان انسان جهت جلوگیری و خروج از حدود انسانی و اجتماعی پیوسته در گفتگو و دیالکتیک با نفس می باشند حال با تعطیل شدن این دو محافظ، آدمی چون اتومیلی بی ترمز رو به سرآشویی سقوط می ماند که امکان نجاتی برای او متصور نیست در مرحله‌ای فراتر وابستگی طبیعی بدن انسان و احساس نیاز به مصرف مداوم این مواد، سرچشمه بسیاری از کج رویی‌ها خواهد شد؛ آدمی که گرفتار مصرف مداوم می شود، ضمن اینکه هوش اجتماعی خود را تا حد زیادی از دست می دهد به دلیل وابستگی به این مواد قدرت کاری و ایفای نقش اجتماعی خود را نیز از دست خواهد داد. از این رو ضمن انگل شدن در اجتماع به دلیل عدم توانمندی در رفع حوائج اقتصادی خود از جمله تهیه مواد، ناخواسته به سایر انحرافات اجتماعی مثل سرقت، عضویت در گروههای بزهکاری و... روی خواهد آورد.

خودکشی و جنایت بر علیه دیگران

قرآن کریم کشته شدن یک نفر را که از آن به قتل یاد می کند معادل قتل کل انسانها دانسته این تعبیر بسیار به جا است گویی قرآن درصدد فهم این معنا به آدمیان است که جان انسانها به عنوان مملوک خداوند و خلیفه الله او بر روی کره خاکی بسیار با ارزش و با اهمیت است و از بین رفتن یکی از ایشان به سان از بین رفتن کل آدمیان تلقی می شود اینجا دیگر بحث کمیتی نیست بلکه کاملاً کیفی است انگار آدمیان به نوعی ناموس خداوندند خدشه دار شدن این حوزه معادل است با ساحت کل انسانیت از این رو با چنین حساسیتی قضیه عنوان می گردد.

غنا، لهو و لعب

خداوند در قرآن آدمیان را از گفتن یا شنیدن سخن باطل منع می کند [۲۸] و اجتناب از این مسئله را به ایشان یادآوری می شود همچنین در آیات متعددی پرهیز از لهو و لعب را یادآور می شود معانی گسترده‌ای می توان برای لهو و لعب جستجو کرد تا جایی که کل زندگی این دنیا در معنای لهو و لعب جای می گیرد اما آنچه در حوزه انحرافات اجتماعی می تواند مورد توجه باشد آن بخشی از غنا و لهو و لعبی است که فراتر از هنجارهای اجتماعی حاصل می

شود و افراد جامعه را به جای پرداختن به امور جاری در حوزه فعالیت‌های اجتماعی یا شغلی به خود مشغول می‌دارد تا جایی که وظایف اصلی خود را در صحنه‌های زندگی اعم از خانوادگی یا اجتماعی به فراموشی می‌سپارند و این همان چیزی است که امروزه به شکل سازمان دهی شده در بعضی جوامع با آن مواجهیم مراکز بزرگ قمار و یا مراکزی از این دست.

بحران عاطفی: خانواده به عنوان اصلی‌ترین کانون اجتماعی می‌تواند منشاء و عامل بسیاری از پدیده‌ها در عرصه‌های اجتماعی باشد به بیان دیگر آغاز اکثر ناهنجاری‌های اجتماعی از خانواده است بیانات قرآن در این مورد بسیار تامل برانگیز است رابطه بین همسران از یک سو و از سوی دیگر رابطه میان همسران و فرزندان از سوی دیگر و دست آخر روابط میان بزرگان و سالخوردگان در خانواده با سایر اعضا خانواده همه کانون توجهات قرآنی است قرآن صراحتاً به انسان توصیه می‌کند احسان در حق والدین [۲۹] را که البته این احسان از معنای وسیعی برخوردار است که مجالی برای شکافتن آن نیست ولی ذکر این نکته حائز اهمیت است که سفارش احسان نسبت به پدر و مادر بلافاصله پس از رابطه میان عبد و معبود و به نوعی همسنگ آن آورده شده است و جالب این که این توصیه به مومنین بلکه مطلق انسانها است که نشانگر این است گرمی داشتن و احسان به والدین امری درون دینی نیست بلکه موضوعی کاملاً انسانی است جدای از فرقه و دین و مسلک، امر دیگری که در تحکیم پایه‌های اجتماع کوچک خانوادگی موکداً مورد اشارت قرآن است صله رحم و پرهیز از قطع رحم می‌باشد. تا جایی که قرآن قطع کنندگان رحم را مورد لعن قرار می‌دهد. [۳۰]

انسجام اجتماعی

همگی به ریسمان الهی چنگ زبید و پراکنده نشوید [۳۱] این آیه بر تارک آیاتی که در خصوص وحدت و انسجام اجتماعی در قرآن آمده است می‌درخشد خداوند همه افراد اجتماع را به وحدت و پرهیز از تفرقه فرا می‌خواند پیوستگی اجتماعی در ادبیات قرآنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در فرازهای مختلفی خداوند عوامل وحدت را بر می‌شمارد من جمله «این امت، امتی واحد است و من پروردگار شمایم پس تقوی بورزید (اما سر نوشت بشر این شد که) امرشان را بین خود قطعه قطعه کردند، هر گروهی شادمان به متاع خود شدند.» [۳۲]

عدم وجود پیوندهای عاطفی و اجتماعی مستحکم در جامعه اساساً جامعه را از جامعه بودن خارج ساخته و بیشتر حالت یک گروه که در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کنند را به ذهن تداعی می‌کند سست شدن این پیوندها خطر بزرگی برای جامعه محسوب می‌شود که تفصیل آن خارج از حوصله این بحث است ما تنها به این نکته که در حوزه آسیب شناسی انحرافات اجتماعی می‌گنجد بسنده می‌کنیم که عدم پیوستگی اجتماعی کنترل و نظارت اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد تا جایی که تنها نظارت حکومتی یا حقوقی از سوی دستگاه حکومتی باقی می‌ماند که این نظارت برای پیشگیری از جرایم و انواع انحرافات اصلاً کافی نیست هر جامعه‌ای برای بقا و انتقال فرهنگ‌های خود نیازمند نظارت و کنترل اجتماعی مناسب و کافی است در حالی که در یک جمع پراکنده انتقال توالی فرهنگی و نظارت اجتماعی یا انجام نمی‌شود و یا سطح آن به شدت کاهش می‌یابد نمونه این موارد را می‌توان در شهرهای جدیدالاحداث و یا حاشیه نشین شهرتان بزرگ به خوبی مشاهده کرد چند پارگی فرهنگی و عدم پیوندهای لازم عاطفی و اجتماعی میان جمع ساکن در این مناطق باعث می‌شود نوعی بی تفاوتی فرهنگی در مواجهه با انحرافات یا جرایم به وجود آید که برای بقاء و حفظ نظام اجتماعی بسیار خطرناک است در مجموع در سایه انسجام اجتماعی است که جامعه قوام لازم را می‌یابد و افراد بدون دغدغه می‌توانند به ایفای نقش‌های خود بپردازند به تعبیر دیگر شرط لازم برای سایر وظایف و کارکردهای اجتماعی انسجام و پیوستگی مطلوب در سطح اجتماع است.

جمع بندی

بحث را با این مقدمه و فرض آغاز کردیم که مکتب اسلام با توجه به رویکرد اجتماعی اش بدیهی است که نسبت به حوزه انحرافات اجتماعی، بی موضع نبوده و اعلام نظر کرده باشد در خلال بحث شواهدی از قرآن برای پرداختن

به این موضوع نشان دادیم در مجموع به نظر می رسد که ضمن تأیید فرضیه نخستین قرآن به عنوان منشور جامعی از قوانین الهی نه تنها به بحث در خصوص آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی پرداخته بلکه به جزئی ترین و نکته سنج ترین موارد ممکن نیز اشاره داشته است و حتی فراتر از فهرست‌ها و لیست‌هایی که جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی در خصوص انحرافات اجتماعی ارائه می کنند مواردی را ذکر و بر اهمیت آن پا می فشارد و جالب اینکه موارد و شواهدی که از قرآن مطرح نمودیم همگی به صراحت به موضوع اشاره داشتند و اگر محققى بخواهد با شیوه درون فهمی (هرمونیک) آیات قرآن را مورد بازخوانی قرار دهد و مجدداً فهرستی از آسیب‌های مورد نقد قرآن تهیه کند به مراتب جامع تر و مفصل تر خواهد شد.

امید که این مختصر راهگشای سایر پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن
- ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهارم ۱۳۷۹
- گی روشه، جامعه شناسی تالکوت پارسنز ترجمه دکتر عبدالحسین نیک گهر، انتشارات تبیان، چاپ اول ۱۳۷۶
- آقاجانی نصراله، استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی نشریه کتاب زنان، شماره ۱۸
- اشرفی ابوالفضل، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۱ و ۱۲
- یزدی مصباح، اخلاق در قرآن جلد سوم، انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ اول ۱۳۸۴
- محسنی منوچهر، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات طهوری چاپ اول ۱۳۸۶
- المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن کریم، جلد ۲ تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۶۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایگاه مجله علوم انسانی

پانویس:

۱۳ - ریتزر/۱۳۹-۱۳۸	۲۵ - عنکبوت/۲۹	۱ - ریتزر/۱۳۹
۱۴ - یونس /۳۲	۲۶ - اسراء/۳۲	۲ - المصطفوی ، ۴۰:۱۳۶-۳۹
۱۵ - کهف /۱۶	۲۷ - مائده /۹۰	۳ - ریتزر/۱۳۸-۱۳۷
۱۶ - منافقون/۴	۲۸ - حج /۳۰	۴ - گی روشه /۱۳۰
۱۷ - نساء/۱۴۱	۲۹ - نساء /۴	۵ - مائده/۳۳
۱۸ - نساء/۱۳۳	۳۰ - بقره/۱۵	۶ - نساء /۲ و ۱۲۷-۱۲۷/انعام/۱۵۲
۱۹ - توبه/۱۰۷	۳۱ - آل عمران /۳	۷ - نساء/ ۷
۲۰ - گی روشه/۸۲	۳۲ - مومنون /۵۳و۵۲	۸ - هود/۸۵و۸۴
۲۱ - ریتزر/۱۳۵و۱۳۴		۹ - بقره /۲۱۹
۲۲ - ریتزر/۱۳۵		۱۰ - بقره /۱۸۸
۲۳ - ریتزر /۱۳۷		۱۱ - بقره/۲۷۹
۲۴ - مومنون /۷-۵		۱۲ - آل عمران /۱۳۱و۱۳۰